ای خدا hard دلمformat مکن ........................ fildما را خالی از برکت مکن

optionغم را خدایا onمکن ........................... fileاشکم را خدایا run مکن

deleteکن شاخه های غصه را ......................... سردی و افسردگی را، هر سه را

jumperشادی بیار تا setکنیم .................... سیستم اندوه را resetکنیم

نام تو pass wordدرهای بهشت ................. آدرس emailسایت سرنوشت

ای خدا روز ازل cadداشتی؟! .......................... mouseبود اما مگر padداشتی؟!

که چنین طرح 3Dمی زدی ............................ طرح خود بر روی CDمی زدی

تا نیفتد bugدر اندیشه¬مان ........................ تا که ویروسی نگردد ریشه¬مان

ای خدا از بهر ما ایمن فرست ......................... بهر دل های پر آتش fanفرست

ای خدا حرف دلم با کی زنم ........................... help می خواهم که F1می زنم!

ای كاروان آهسته ران كارام جانم می رود   /  آهسته در جيب بابام دست مامانم مي رود

ما بدين ره نه پی حشمت جاه آمده ايم   /  اَسبمان يونجه نداشت از پی كاه آمده ايم

سعديا مرد نكونام نميرد هرگز   /  مرده آنست كه مشتش بزنی جم نخورد

ميازار موری كه دانه كش است   /  كه شلوار زیرش بدون كش است

كبوتر با كبوتر باز با باز   /  گرفت مادر زنم ناگه مرا گاز

تو کز محنت دیگران بی غمی   /  بخور جای من جان من شلغمی

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند   /  سر هفت مرد کچل را فر شش ماهه زدند

یارب آن دلبر شیرین که سپردی به منش   /  از بس که ننر بود سپردم به ننش

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید / لااقل بادکنکی در قفسم باد کنید

هر کس که نداند و نداند که نداند / در پست ریاست ابدالدهر بماند

آنکس که بداند و بداند که بداند                   باید برود غازبه کنجی بچراند  
  
آنکس که بداند و نداند که بداند                   بهتر برود خویش به گوری بتپاند  
  
آنکس که نداند و بداند که نداند                    با پارتی و پول خر خویش براند

1. «به آب روشن می عارفی طهارت کرد»/ و رفته رفته به این کار زشت عادت کرد...   
2. «برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر»/ لیلی آمد دم در، گفت: بیا! برق آمد!...  
 3. «داشتم دلقی و صد عیب مرا می‌پوشید»/ صد و یک عیب چو شد، دلق من از کار افتاد...  
 4. «مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش»/ گفت: دنیا شده از مشکل پر، این هم روش...  
 5. «در آستین مرقع پیاله پنهان کن»/ که چوب و غیره در آن ناگهان فرو نکنند... 6. «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را»/ به دستش می‌دهم کاری که بار آخرش باشد...   
7. «چه خوش صید دلم کردی، بنازم چشم مستت را»/ ولی از روی پایم خواهشا بردار دستت را...  
 8. «خرقه زهد مرا آب خرابات ببرد»/ بعد از این آب خرابات چه آبی بشود...   
9. «غلام همت آنم که زیر چرخ کبود»/ اگرچه له شود اما شکایتی نکند...   
10. «صوفیان واستدند از گرو می همه رخت»/ بنده از شرم شدم پشت درختی پنهان...   
11. «جمیله‌ای است عروس جهان، ولی مگذار»/ که این زمان حرکت‌های او شود موزون...   
12. «پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست»/ آن‌قدر عربده زد، آبروی ما را برد...  
 13. «دستی به جام باده و دستی به زلف یار»/ پس من چگونه پیرهنم را عوض کنم؟...   
14. «سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد»/ بی‌خبر بود که ما مشترک کیهانیم!...  
 15. «دامنی گر چاک شد در عالم رندی چه باک»/ رند باید چیز دیگر را نگهداری کند...   
16.«چمن خوش است و هوا دلکش است و می بی‌غش»/ مرا فقط نگرانی ز گشت ارشاد است...